

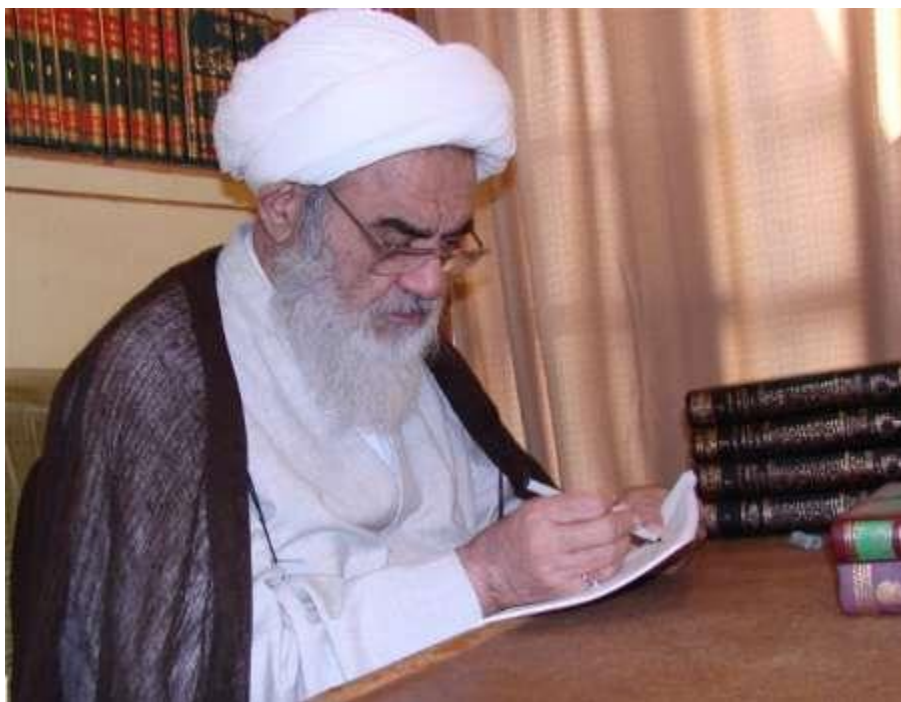
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## درس اخلاق

موضوع: اخلاق از نظر قرآن و روایات حضرت آیت الله مظاهری دامت برکاته

جلسه بیست و ششم

عنوان درس: نفاق و دورویی-۱



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ أَشْرَفِ بَرِيَّتِهِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

خدا توفیق عبادت و

بندگی و ترک معصیت،

همیشه و مخصوصاً در ماه

مبارک رمضان به همه شما عنایت کند. اظهار ارادت کنید خدمت امام زمان با سه صلوات.

یکی از صفات رذیله که انسان را نزد خدا و نزد اهل بیت و ملائکه بی شخصیت می‌کند و گناهش هم خیلی بزرگ است، نفاق دو دورویی و دروغ و تقلب است؛ و گناه نفاق و دروغ خیلی بزرگ است. علاوه بر اینکه شخصیت انسان را پیش خدا و اهل بیت از بین می‌برد؛ علاوه بر اینکه در عالم ملکوت شخصیت ندارد، گناهش خیلی بزرگ است. پروردگار عالم دروغ گفتن را با بت پرستی پیش هم گذاشته است و از آن نهی کرده است:

«فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» ۱

مواظب باش دو صفت نداشته باشی. یکی اینکه بت پرستی و یکی هم اینکه دروغ نگویی. بحث الان ما راجع به ملکه است. یعنی بعضی اوقات انسان حالتی پیدا می‌کند که دروغگو محسوب می‌شود. در پیش خدا و ملائکه مشهور می‌شود به دروغگو و متقلب

و منافق. در مقابل صفا و صداقت و امانت که بعضی اوقات در پیش خدا در عالم ملکوت به صادق و امین و درستکار نامیده می‌شود].<sup>۲</sup>  
دروغ منقسم می‌شود به اقسامی؛ و همه پیش خدا مبعوض است و انسان را پیش خدا بی‌شخصیت می‌کند.

مرتبه اولش نفاق است. در حالی که اعتقاد ندارد، اظهار اسلام می‌کند. این همیشه بوده است. در میان مسلمان‌های صدر اسلام بوده و الان هم هست. عقیده به اسلام ندارد، اما می‌خواهد از اسلام سوء استفاده کند.

قرآن درباره این می‌فرماید که طبقه هفتم جهنم از اوست:

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ لَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا»<sup>۳</sup>  
منافق را طبقه آخر یعنی طبقه هفتم جهنم می‌برند. این منافقین همیشه برای اسلام بیش از کفار ضرر داشتند؛ برای اینکه خنجر را از پشت می‌زنند. در بحران‌ها ضررهای بزرگی می‌زنند؛ لذا مثلاً قرآن در اول سوره بقره پنج آیه راجع به مؤمن دارد، پنج آیه هم راجع به کفار مثل یهودی‌ها و نصرانی‌ها و دهری‌ها و امثال اینها دارد؛ اما همان جا بیش از بیست آیه در مذمت منافق دارد. از همه کفار بدتر، از نظر ضررزدن و از نظر جهنم رفتن، منافق است. منافق دروغگو است و قرآن هم می‌فرماید دروغگو است، یعنی در دل اسلام را قبول ندارد؛ اما به حسب ظاهر می‌گوید من مسلمان هستم، برای اینکه از اسلام سوء استفاده کند.

این قسم اول است و الحمدلله ما نداریم و اینگونه منافق در میان ما کم پیدا می‌شود، اما در روایات ما منافقی هست که کمرشکن است و آن اینست که ائمه طاهرین «سلام‌الله‌علیهم» فرمودند کسی که عقیده داشته باشد و شعار و زبان هم داشته باشد اما عمل بر طبقش نباشد. و آنچه انصافاً کمر را می‌شکند، اینجاست.

الحمدلله ما تا سرحد عشق علی را دوست داریم و اهل بیت را دوست داریم و ما الحمدلله در مملکت‌مان شعار «أشهد أنّ علياً ولي الله» بلند است. جشن‌ها داریم و اظهار محبت به اهل بیت داریم و دلمان برای کربلا پر می‌زند. دلمان برای رفتن به مشهد پر می‌زند و هوای امام رضا می‌کند. اینها خوب است و اما سومی هم یعنی عمل بر طبق اسلام هم باید باشد. نماز و روزه و زکات و خمس و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر ما نیز باید به جا باشد.

ما مسلمانی، اما این فساد اخلاقی در خیابان‌ها و عروسی‌ها و جلسات خصوصی را هم داریم! یعنی عمل‌مان، عمل یهودی‌ها و صهیونیست‌ها و غربی‌هاست، اما گفتارمان «أشهد أنّ علياً ولي الله» است. یعنی از نظر عمل لنگیم. این خیلی مصیبت است و اگر انسان برایش خون گریه کند، جا دارد. یعنی وضع اجتماع ما به امیرالمؤمنین نمی‌خورد. وضع اجتماعی ما به قرآن و به خدا و اسلام عزیز نمی‌خورد. منافق نیستیم و منافق آنست که عقیده نداشته باشد. ما می‌گوییم که همه چهارده معصوم گفته‌اند کسی که اینگونه است، مرتبه‌ای از نفاق را دارد. برای اینکه باید عملش به عقیده بخورد، اما نمی‌خورد و این یک نحو نفاق و دروغ است.

گاهی عقیده به عمل نمی‌خورد که آن منافق و نجس است و طبقه آخر جهنم نیز از اوست و او توطئه‌گر و مضرّ برای اسلام است؛ اما یک دفعه عقیده هست و زبان و شعار

هست اما عمل آنطور که باید باشد، نیست. ائمه طاهرين فرموده‌اند این یک نحو نفاق و دروغ است؛ برای اینکه صداقت اینست که عمل به عقیده بخورد و دروغ اینست که عقیده به عمل و یا عمل به عقیده نخورد. این سه باید به هم بخورند تا اینکه صادق شویم و در عالم ملکوت نفس صداقت داشته باشیم.

این هم مرتبه دوم است که انسان خیلی برای آن ناراحت است و ائمه طاهرين برایمان گریه می‌کنند. یکی از گریه‌های امام زمان همین است که وقتی اعمال ما را می‌بیند، پیش خدا شرمنده می‌شود. می‌گوید در سرداب مطهر زمزمه و گریه آقا را شنیدم که می‌گفت خدایا این شیعیان ما گناهکارند و پشتوانه آنها ما هستیم، تو رحمی کن. شرمنده پیش خدا هستند به خاطر نفاق ما. ما تا سرحد عشق امام زمان را دوست داریم و می‌خواهیم امام زمان بیاید، اما در عملمان لنگیم. آدم با صفا و صداقت و صمیمیت کسی است که عقیده‌اش به زبان و زبانش به عمل و عمل به زبان و زبان هم به عقیده بخورد.

قسم سوم دروغ، بدعت در دین است که گناهش خیلی بزرگ است. گناه به اندازه‌ای بزرگ است که حتی راجع به علما، روایتی داریم که برای آنها کمرشکن است. می‌فرماید:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» [۴]

وقتی بدعتی رو افتاد، عالم باید اظهار علم کند و در مقابلش ایستادگی کند و اگر نکرد، لعنت خدا بر این عالم است؛ آنگاه ببینید گناه بدعت‌گذار و کسی که از بدعت متابعت می‌کند، چقدر بزرگ است! این بدعت اول کوچک است اما کم کم بزرگ می‌شود.

میرزا محمد بهاء آدم ناجوری بود و انگلیس‌ها از او استفاده کردند. انگلیس‌ها خیلی متقلب و شیطان و حقه‌باز هستند و اول به او نمی‌گفتند که بگو من امام زمان هستم. به او گفتند تو الهام داری و کم کم به او فهماندند که تو نایب امام زمان هستی. کم کم به او گفتند تو خود امام زمان هستی و اگر بگویی من امام زمان هستم، مردم از تو قبول می‌کنند. کم‌کم گفتند تو پیغمبری و او هم ادعای پیغمبری کرد. بعد هم در آخر کار که او را به دار کشیدند، ادعای خدایی کرد و گفت من خدا هستم. به این بدعت می‌گویند. الان اینها کم شده، اما بدعت دیگری در جامعه هست. یعنی مشتی آدم دروغگو و دغل و حقه‌باز ادعای تشرف می‌کنند. می‌گویند من امام زمان را می‌بینم و امام زمان اینطور به من گفتند و فرمودند اینطور عمل کنید. اول از کم شروع می‌کند اما به جاهای پدی می‌رسد. این بدعت مثل قارچ می‌روید. آدم دغلی را پیدا می‌کنند و مخصوصاً آخوند، و اطراف او را می‌گیرند به عنوان تشرف. کم کم عنوان الهام و اینکه خدا اینطور گفته و خواب دیدم و امام زمان اینطور گفتند، آنگاه این جوان‌ها را زیر یوغ خود می‌برند. معلوم است که وقتی طلبه یا دانشگاهی زیر نظر علما نرفت، اینطور می‌شود.

این بدعت در زمان ما یک دروغ است و اگر بدعت بدتر از نفاق نباشد، قطعاً کمتر نیست. این هم مرتبه سوم از دروغ است و کسانی که گول می‌زنند جایشان «فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ» است و کسانی هم که اطرافشان را می‌گیرند «فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ» هستند. لذا در روایات می‌خوانیم در روز قیامت یکی از اینها را به صف محشر می‌آورند و می‌گویند چرا اظهار تشرف کردی و اطرافیان‌ش هم می‌آیند و همه به جهنم می‌روند: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ».

این گریه دارد و هرچه داد بزنیم فریادمان به جایی نمی‌رسد.

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من آنچه البته به جایی نرسد فریاد است

قسم چهارم که آن هم «فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ» است، تمامی و سخن‌چینی و تهمت است. گناه تهمت به اندازه‌ای بزرگ است که مرحوم کلینی در کافی می‌فرماید که آن تهمت‌زن و دو به هم زن را به صف محشر می‌آورند و دروغ‌ها و تهمت‌هایش یک تل چرک و خون شده و پنجاه هزار سال روی این تل چرک و خون می‌ایستد و باید این چرک و خون‌ها را بخورد و بعد هم به جهنم برود. [۵] گناهش خیلی بزرگ است اما ما امروزه این دو به هم زنی را داریم.

مثلاً شوهر خسته از کار آمده و به جای اینکه این زن خستگی را از دل شوهر بیرون کند، شروع می‌کند پشت سر مادر این مرد حرف بزند. اگر راست باشد، گناهش مثل آدمکشی است و اگر دروغ باشد، فتنه‌گری و بالاتر از این، تهمت است. خدا نکند مادرشوهر جایی پسر را پیدا کند که عروس نباشد، دروغ می‌بافد و مرتب می‌گوید که دل این پسر را آزرده خاطر کند. اگر راست بگوید، گناهش در حد کفر و قتل است: «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ»؛ [۶] فتنه‌گری از آدم‌کشی بدتر است. اگر دروغ هم بگوید، تهمت است و تهمت هم آن تل چرک و خون را دارد. الان در مجالس مقدس‌ها تهمت هست. زمانی من به شما می‌گفتم گناه غیبت خیلی بزرگ است و آدمی که غیبت کند و پشت سر مردم حرف بزند، او را به جهنم می‌برند درحالی که به صورت سگ است و آن غیبت‌ها نان و خورشت او می‌شود و به او می‌خورانند:

«الْغِيبَةُ إِذَا مَرَّ كِلَابِ النَّارِ» [۷]

غیبت چیزی است که واقعاً باشد و شما پشت سرش بگویید، اما اگر نباشد یا نمی‌دانید که هست یا نه، این غیبت نیست، بلکه تهمت است و گناه بزرگی دارد. لذا من التماس می‌کردم و می‌گفتم باید بگوییم ای مردم تهمت نزنید. الان جلسات ما پر از تهمت است. حتی روزنامه‌های ما علاوه بر اینکه فحش نامه است، پر از تهمت است. این سایت‌ها چه تهمت‌ها و غیبت‌ها دارند. اینها خیلی گناه دارد و گناهش هم دست و پا پیچ ما می‌شود. این وضع غم و غصه و نگرانی‌ها و اضطراب‌ها از کجا پیدا می‌شود؟!

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَأَنْتُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» [۸]

ای مردم ظلم شما در این دنیا، دست و پا پیچ شما می‌شود و در آخرت هم باید به جهنم روید.

و السَّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱. الحج، ۳۰: «پس، از پلیدیِ بت‌ها دوری کنید، و از گفتار باطل اجتناب ورزید».

۲. ر.ک: ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۷۸.

۳. النساء، ۱۴۵: «آری، منافقان در فروترین درجات دوزخند، و هرگز برای آنان یآوری نخواهی یافت».

۴. الکافی، ج ۱، ص ۵۴.

۵. ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۳۵۷.

۶. البقره، ۱۹۱: «فتنه، از قتل بدتر است».

۷. روضه الواعظین، ج ۲، ص ۴۷۰.

۸. یونس، ۲۳: «ای مردم، سرکشی شما فقط به زیان خود شماست. [شما] بهره زندگی دنیا را [می‌طلبید]. سپس بازگشت شما به سوی ما خواهد بود. پس شما را از آنچه انجام می‌دادید باخبر خواهیم کرد.» منبع: پایگاه اطلاع رسانی معظم له

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضوری حوزه های علمیه خاوران

<http://vufarhangi.whc.ir>